سلام علیکم و رحمه الله

اعوذ بالله من الشیطان اللعین الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی نبینا محمد و آله الطاهرین و لعنه الله علی اعدائهم الی یوم الدین

رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و و اجعلنی من لدنک سلطانا نصیرا

بسیار خوشحال هستم که در جمع برادران فاضل و اساتید ارجمند فرصتی برای گفتگو پیدا کردیم تشکر هم می­کنم از مسئولان محترم جلسه به من فرمودند که یک مقداری درباره مباحث معیشتی طلاب و موضوعات مرتبط با تأمین زندگی اینجا گفتگو داشته باشیم من اجازه می­خواهم که با یک مقدمه­ای وارد این موضوع بشویم اگر اجازه می­فرمایید با یک مقدمه­ای وارد بشویم و آن مقدمه این است که بحث تأمین معیشت را دو جور می­توان دنبال کرد یک­بار ما از منظر مسئولان و کارگزاران حوزه­های علمیه مدیریت محترم شورای عالی مراجع معظم تقلید می­خواهیم بنشینیم درباره اداره حوزه­های علمیه گفتگو بکنیم و برای آن ها فکر بکنیم و به آنها پیشنهاد بدهیم این یک زاویه نگاه است و یک اقتضائاتی دارد اگر نشستیم با مراجع معظم تقلید و مدیران حوزه و کارگزاران محترم شورای عالی و مسئولان مرکز مدیریت گفتگو بکنیم آن­جا باید یک حرف­هایی بزنیم و اگر مخاطب ما خود طلبه بود و فرض را بر این بگذاریم که آنها دارند وظایف خود را انجام می­دهند یا نمی­دهند وظایف خودشان را می­شناسند یا نمی­شناسند ما بنابراین فرض بیایم با خود طلبه صحبت کنیم و به طلبه بگوییم چگونه معیشت خود را مدیریت بکند گفتگویی که ما اینجا داریم از مقوله دوم است اگر یک روز رفتیم پشت آن میز نشستیم شاید به یک زبان دیگری و با یک ادبیات دیگری صحبت بکنیم ولی الان ما اینجا برای خودمان داریم فکر می­کنیم نه برای مراجع تقلید برای خودمان فکر می­کنیم نه برای مسئولان حوزه به هر حال طلبه ها با مسائل معیشتی بغرنجی کمابیش درگیر هستند و مسئولان حوزه هم دارند تلاش­های خودشان را می­کنند حالا دنبال منابع پایدار هستند مدتی است کمابیش شنیدید دیگر دنبال منابع پایدار هستند برای تأمین نیازمندی­های طلبه­ها و اداره حوزه­های علمیه الآن چند صباحی است که توجه شده به این که سرمایه وقف خیلی سرمایه ارزشمندی است ما خوب از آن استفاده نمی­کنیم آن­طور که باید و شاید در مسیر خودش به کار گرفته نمی­شود شما می­دانید که بعضی از دانشگاه­های بزرگ آمریکایی خارجی که تشکیلات و تأسیسات بسیار زیادی هم دارند این­ها هیچ درآمد دولتی ندارند از موقوفات اداره می­شوند مثل دانشگاه آکسفورد از موقوفات اداره می­شوند حالا موقوفات در دین خودشان دیگر و ما این سرمایه عظیم را در اختیار داریم و از آن استفاده نمی­کنیم مدتی است حالا حوزه به این فکر افتاده که یک مقداری بهتر مدیریت بشوند این موقوفات و این مسئله یک جوری حل و فصل شود آن­ها دارند کار خودشان را می­کنند ما فعلاً با آن بخش کاری نداریم و می­خواهیم برای خودمان فکر بکنیم نه برای مراجع تقلید و مدیران حوزه­های علمیه و شورای عالی و مرکز مدیریت و امثال این­ها این نکته اول نکته دومی که اینجا باید بگوییم این است که حوزه­های علمیه همیشه در طول تاریخ تشیع با مشکلات مالی مواجه بوده­اند این هم یک خبر است یک مقداری باید این تحلیل بشود شیعه دائماً در غربت و محجوریت بوده است تا مادامی که ان‌شاءالله امامش بیاید و در طول تاریخ بیش از هزار ساله حوزه­های علمیه عالمان با عسرت و مشقت حوزه­های علمیه را اداره کرده­اند این هم یک نکته است به این هم توجه بکنید در مرحله بعد اگر اجازه بدهید بعضی از آیات و روایات مرتبط با موضوع رزق و معیشت را با همدیگر مرور بکنیم به نظر می­رسد که این خیلی به ما کمک می­کند این در واقع تجدید نگرش دینی خودمان در باره موضوع رزق و معیشت خیلی به ما کمک می­کند که نگاهمان وقتی عوض بشود در زندگی نوع تصمیم­گیری­های ما هم تحت تأثیر آن نگرش و نگاه قرار می­گیرد خب همه این چیزهایی که من می­خواهم بخوانم علی­القاعده شما دیده­اید و حرف تازه­ای نیست اما قطعاً مرور آیات قرآن کریم از باب فاقرئو ما تیسر من القرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت برای ما حتماً آموزندگی و تذکر دارد و ما اتفاقاً احتیاج به این تذکرها داریم گاهی فکر می­کنیم که ما فقط احتیاج به معلم داریم فرق است بین معلم و واعظ. معلم چیزهایی را که ما نمی­دانیم به ما می­آموزد معلم با ذهن ما سر و کار دارد معلم موفق آن کسی است که در مدت زمان کوتاهی انبوهی از گزاره­ها را به ذهن مخاطب خودش وارد بکند ما همان­طور که احتیاج به معلم داریم برای برطرف­کردن نادانی­ها و ناآگاهی­های خودمان احتیاج به واعظ هم داریم واعظ به ذهن ما کاری ندارد به دل ما کار دارد و واعظ موفق آن کسی نیست که بیشتر به ما بیاموزد واعظ موفق آن کسی است که چه بسا هیچ چیز جدیدی به ما یاد نمی­دهد اما همان آموخته­های گذشته ما را دوباره چنان می­شوراند برمی­انگیزد که منشأ عمل شود یعنی ما وقتی که از پای منبر او برخواستیم احساس بکنیم که در جانمان یک تحولی پدید آمده است اراده­های ما و منشأ امیال ما تفاوت کرده و آمادگی ما برای عمل عزم ما برای اقدام افزایش پیدا کرده است ما الأن می­خواهیم در محضر قرآن کریم و ائمه اطهار علیهم­السلام موعظه بشنویم خیلی دنبال این چیزی نباشید که چیز جدید یاد بگیرید می­خواهیم موعظه بشنویم یعنی همان چیزهایی را که می­دانیم یک­بار دیگر از خدای متعال و ائمه اطهار بشنویم و این ان­شاءالله در تصمیم­گیری­های ما و نوع برنامه­های زندگی ما در طلبگی اثر می­گذارد عرض به خدمت شما یک صلواتی عنایت کنید. اولین مطلب این است که روزی به دست خداست ان الله هو الرزاق ذوالقوة المتين خدا رزاق است و توان تأمین روزی را دارد ذو القوه المتین نیروی این را دارد که روزی من و شما را تأمین بکند این یک. خدا می­فرماید وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ روزی شما در آسمان است این روزی که در زمین دنبال آن می­گردید این روزی از آسمان باید نازل شود یعنی به دست خداست اینجا شما برایش بدو می­کنید و تلاش می­کنید اما بدانید که گره­اش دست خداست و خدا باید نازل کند و به خدای آسمان و زمین قسم حق است راست است ثابت است مثل ما انکم تنطقون همان­طور که شما حرف می­زنید کلمات از زبان شما جاری می­شود روزی هم از آن جایگاه آسمانی خودش به سوی شما جاری می­شود در وجه این شبه که مثل ما انکم تنطقون گفته­اند که همان­طور که کلمات به تدریج از زبان شما جاری می­شود شما یک مطلبی که در ذهنتان است یکباره نمی­توانید به دیگران انتقال بدهید باید یک ساعت حرف بزنید به تدریج این کلمات بر زبان شما جاری می­شود تا منتقل شود به او روزی هم این گونه است خدای متعال روزی را یک­باره نمی­دهد به تدریج می­دهد شاید این که به آن می­گویند روزی اصلاً به خاطر همین باشد یعنی روزانه داده می­شود بعضی وقت­ها ما انتظار داریم که یک روزی قلمبه­ای بیفتد که ما یک چند وقت خیالمان راحت باشد مثلاً دو سال سه سال مصرفش بکنیم قلمبه این انتظار داریم که حساب بانکی مان پر پر باشد جیبمان پر پر باشد شیشه­های غذایی در خانه­مان مثلاً گونی­های برنج و فلان نه این روزی است یعنی مردم می­گویند گنجشک روزی یعنی گنجشکی که از روز بیرون می­آید هیچ چیز ذخیره نکرده همان روز روزی خود را بر می­دارد شب در لانه­اش می­خوابد تا فردا صبح روزی است روزانه است ولی خدای متعال تضمینش کرده ورب السماء و الارض، وما من دابة في الارض الا على الله رزقها نه تنها انسان­ها همه موجودات همه جنبدگان بر عهده خداست روزی آنان را بدهد خدا روزی آنان را بر عهده گرفته است علی الله رزقها، و کاین من دابه لا تحمل رزقها خیلی از جنبنده­ها هستند روزی خودشان را با خودشان جا به جا نمی­کنند یعنی این­طوری نیست که حساب بانکی داشته باشند جیبشان پر از پول باشد لاتحمل رزق­ها روزی خودش را با خودش جابجا نمی­کند الله یرزقها خدا به آنها روزی می­رساند به شما هم می­رساند و ایاکم آن خدایی که به آن جنبده­ها که نمی­توانند روزی­شان را با خودشان جابجا بکنند و ذخیره بکنند روزی می­رساند ایاکم شما را هم روزی می­رساند بعد شما غیر از خدا کسی را سراغ دارید که به شما روزی بدهد؟ هل من خالق غیر الله یرزقکم من السماء کس دیگری غیر از خدا سراغ داریم برویم از او روزی بگیریم به او اتکا بکنیم در مسائل زندگی و معیشتی، و جعلنا لکم فیها معایش و من لستم له برازقین می­گوید ما برای شما در روی این زمین معایشی وسیله­ی زندگی قرار دادیم و برای آن کسانی که شما روزی­دهنده آن ها نیستید دست ماست خدا روزی می­دهد بی­حساب و کتاب هم می­دهد به هر کس بخواهد روزی بی­حساب و کتاب می­دهد عرض به خدمت شما که این یک نکته نکته دومی که درباره­ روزی باید به آن توجه کرد این است که ما برای روزی هیچ دل مشغولی و نگرانی نباید داشته باشیم به ما گفته­اند هیچ دغدغه­مند روزی فردایتان نباشید اگر حساب­های بانکی­ات همه رو به صفر دارد می­رود در یکی­اش 1252 تومان و 3 ریال است در یکی­اش مثلاً 6533 تومان و 4 ریال است و همین حدود­ها دیگر دارد به صفر می­رسد آنچه که زیر فرش و لای کتاب و توی جیب و ... هم داشتید همه خرج کردید مواد غذایی هم در خانه دیگر رسیده است به تهش یخچال هم باز میکنی بله مثل یخچال، بله هیچ چیز دیگر تویش نیست وقتی که به اینجا رسید وقتی که کار به اینجا­ها رسید شما هرگز حق ندارید ته دل احساس اضطراب کنید حق ندارید هرگز حق ندارید نگران باشید این دستور شرعی است این دستور دین است توجه کنید یا علی لا تَهتَمَّ لِرِزقِ غَدٍ اصلاً اهتمام، اهتمام از ماده همم است یعنی دل مشغولی، دل مشغول دل نگران روزی فردای خودت نباش فإنّ كُلَّ غَدٍ يَأتِي بِرِزقِهِ هر فردایی روزی­اش می­آید روزی است دیگر روز به روز است هر فردایی روزی­اش می­آید یک کسی آمد خدمت امام صادق (ع) فقال له لابی انت و امی یابن رسول الله علمنی موعظه حضرت فرمودند انْ كَانَ اَللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ تَكَفَّلَ بِالرِّزْقِ فَاهْتِمَامُكَ لِمَا ذَا خدای متعال بر عهده گرفته و علی الله رزقها چرا نگران هستی؟ درسته حساب­های بانکی­ات تمام صفر شد در خانه هم هیچ چیز نداری نگران نباش غصه نخور آرام آرام و ان کان رزق مقسوماً فالحرص لماذا و ان کان الحساب حقا فالجمع لماذا و ان کان خلف من الله عز وجل حقا فالبخل لماذا خلف یعنی جایگزین می­شود خرج کنی خدا دوباره می­رساند و ان کان عقوبه من الله عزوجل النار فالمعصیت لماذا و ان کان الموت حقا فالفرح لماذا؟ الی آخر فرمودند لا تحمل هم یومک الذی لم تاتک علی یومک الذی قد عطاک غصه آن روزی که هنوز نیامده را روزی که در آن هستی نینداز فانه ان یکن من عمرک یاتک الله سبحانه فیه برزقه اگر فردا از عمر تو باشد خدای متعال روزی­اش را می­رساند و ان لم یکن من عمرک فما همک بما لیس من اجله اگر فردا هم از عمر تو نباشد قرار باشد فردا زندگی نباشد پس چرا غصه می­خوری؟ برای چه نگرانی چه خبر است؟ خدای متعال زنده است آن خدایی که قبل از اینکه من و تو به دنیا به دنیا بیایم و اصلاً به فکر روزی باشیم روزی ما را اول در سینه مادرانمان فراهم آورد بعد ما را به این دنیا فرستاد توجه کنید آن موقعی که ما اصلاً این کاره نبودیم به فکر روزی نبودیم اول روزی ما را در سینه مادرانمان تأمین کرده بعد ما را به این دنیا فرستاده آن خدا زنده است اگر آن خدا زنده است چرا نگرانی می­کنید چرا ناراحتید چرا غصه می­خورید چرا نا آرامید.

بله رزق که اعم است، رزق به معنای حیات نه منتهی بگذارید یک کم برویم جلوتر دوباره به آن برمی­گردیم فرمودند یابن مسعود پیغمبر اکرم به یکی از اصحابشان فرمودند لا تهتم لالرزق اصلاً نگران روزی­ات نباش راحت راحت فان الله تعالی یقول و ما من دابه فی الارض الا علی الله رزقها و هم­چنین فرمود فی السماء رزقکم و ما توعدون و فرمود و ان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو و این یمسسک بخیر فهو علی کل شی قدیر یابن مسعود والذی بعثنی بالحق نبیا ان من یدع الدنیا و یقبل علی تجاره الآخره فان الله تعالی یتجر له من وراء تجارته قال الله تعالی رجال لا تلهیهم تجاره ولا بیع عن ذکر الله و اقام الصلاه و ایتاء الزکاه یک جایی حضرت فرمودند که علی و من اهتم لرزقه کتب علیه خطیئه کسی اگر نگران روزی­اش باشه این برایش گناه و خطیئه نوشته می­شود هیچ کس حق ندارد نگران روزی­اش باشد آرام آرام هیچ آرامش شما نباید به خاطر روزی به هم بخورد این قانون اول

این عنوان بعدی ناظر به همین نکته شماست، در عنوان بعدی ببینید ما نگران روزی نباید باشیم حالا این­ها را یک به یک برویم جلوتر شاید همه این نکات در آیات و روایات به ما توجه داده شده ما مرور معارف دینی­مان برایمان خیلی مفید است یک نکته دیگری که خدای متعال می­فرماید: درست است که خدا روزی رسان است ولی هیچ دلیلی ندارد که روزی انسان­ها را به صورت مساوی برساند به بعضی­ها روزی بیشتر می­دهد به بعضی­ها روزی کمتر می­دهد الله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق به بعضی­ها بیشتر می­دهد به بعضی ها کمتر می­دهد چرایش حالا خدای حکیم است دیگر بدون حکمت که انجام نمی­دهد ما می­توانیم سردر بیاوریم در کارهای خدا؟ ممکن است بتوانیم سر در بیاوریم ممکن است نتوانیم ولی حق اعتراض نداریم چون می­دانیم خدای متعال کارش درست درست است و باید خدا را تسبیح کنیم تسبیح یعنی چه؟ یعنی خدا را پاک می­دانیم از هر عیب و نقص و کاستی و بدی و زشتی یعنی به خدا می­گوییم کارت خیلی درست است دمت گرم بیست بیست مو لای درزش نمی­رود ما هم هیچ اعتراضی به خدا نداریم هیچ گله و شکایتی از خدا نداریم نه اینکه رویمان نمی­شود و جرأت نداریم، اصلاً هیچ اعتراضی به خدا وارد نیست تا ما بخواهیم بیان بکنیم نه صرفاً به خاطر اینکه بنده هستیم و رویمان نمی­شود به خدا چیزی بگوییم و چپ چپ نگاه بکنیم نه اساساً خدای متعال کارش درست درست است تسبیح پروردگار یعنی این یعنی خدا من از تو هیچ گله و اعتراضی ندارم خدای متعال روزی را مساوی تقسیم نمی­کند این قطعی است آن­قدر که آیه دارد که ما بخواهیم بخوانیم نمی­شود ان الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر خدا برای بعضی­ها بسط می­دهد برای بعضی ها تنگ می­گیرد این هم قانون است این هم کار خداست این هم آیاتش خیلی زیاد است دیگر نمی­خوانم.

فاصله طبقاتی تا حدی­اش الهی است یعنی خدای متعال اساساً قرار داده است، آن آیه شریفه هست که من ننوشتم به کفار گفته می­شود که به بعضی­ها گفته می­شود که کمک کنید به مستمندان و بی­نوایان می­گویند که نطعم من لو یشاء الله اطعمه آیا ما برویم به کسی کمک کنیم که اگر خدا می­خواست به او میداد؟ این ها به بهانه این که خدای متعال روزی بعضی­ها را تنگ کرده و بعضی­ها را توسعه داده می­خواهند کار خدایی بکنند ما موظف هستیم اگر روزی برای ما توسعه دارد به دیگران کمک بکنیم و انفاق بکنیم و خدای متعال گاهی اوقات تنگ می­گیرد روزی را بر بندگان خودش این هم یکی دو تا نیست دیگر حالا آیاتش را می­بینید دیگر، مضمونش این است: یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر برای بعضی­ها بسط می­دهد و برای بعضی­ها تنگ می­گیرد حکمتش چیست؟ در بعضی از آیات فرموده: ولو بسط الله الرزق لعباده لبغو فی الارض اگر خدای متعال روزی را خیلی توسعه بدهد انسان­ها بغی و طغیان می­کنند ان الانسان لیطغی أن رئاه استغنی ولکن ینزل بقدر ما یشاء خدای متعال به قدر به اندازه روزی می­دهد انه بعباده خبیر بصیر او بنده­هایی که خودش آفریده خوب می­شناسد می­داند او چه موجودی است برای اینکه کنترلش بکند ولی اگر خدای متعال به تو روزی کم داد مبادا به خدا بدبین بشوی بعضی­ها هستند اذا ما ابتلیه فقدر علیه رزقه وقتی که خدا او را مبتلا کرد و روزی را تنگ کرد فیقول ربی اهانن می­گویند خدا ما را احترام و اکرام نکرده و اگر روزی­اش زیاد باشد فیقول ربی اکرمن اگر روزی­اش کم باشد فیقول ربی اهانن خدا می­فرماید کلا این­گونه نیست حساب و کتاب خدای متعال فرق می­کند این­گونه نیست که شما فکر بکنید اگر روزی­ات کم باشد از چشم خدا افتادی و خدای متعال تو را فراموش کرده یا اینکه قانون خدا عوض شده خدایی که گفته علی الله رزقها قانونش یادش رفته روزی من را نمی­دهد نه این یک حساب دیگری دارد در بعضی از روایات آمده: لَوْ لاَ إِلْحَاحُ اَلْمُؤْمِنِينَ عَلَى اَللَّهِ فِي طَلَبِ اَلرِّزْقِ لَنَقَلَهُمْ مِنَ اَلْحَالِ اَلَّتِي هُمْ فِيهَا إِلَى حَالٍ أَضْيَقَ مِنْهَا اگر نبود که مؤمنین خیلی اصرار می­کنند در طلب رزق الحاح می­کنند در طلب رزق اصلاً ما وضعشان را بدتر می­کردیم به حال اضیق می­کشیدیم یعنی بیشتر برایشان تنگ می­گرفتیم و کار را سخت­تر می­کردیم آیه­ای است در سوره زخرف آیه 33 لولا ان یکن الناس امه واحده اگر نبود که مردم امت واحد هستند یعنی قانون واحد بر همه جاری شود نمی­شود که تبعیض بگذاریم خدا نمی­تواند بر یک نفر یک­جور برخورد کند و با یک نفر یک طور دیگر برخورد بکند مردم امت واحد هستند و قانون واحد بر آن­ها جاری می­شود اگر این نمی­بود لجعلنا لمن یکفر بالرحمان لبیوتهم سقفاً من فضه ما به کفار یک خانه­هایی می­دادیم که سقفش از نقره باشد یعنی آن­قدر به آن­ها ثروت می­دادیم نمی­دانستند چگونه مصرف بکنند در مصالح ساختمانی از طلا و نقره و ... استفاده می­کردند و معارج علیها یظهرون برج می­ساختند و بر آن بالا می­رفتند و لبیوتهم ابوابا و سررا علیها یتکئون یک خانه­هایی به آنها می­دادیم که مثلا آن­قدر امکانات می­دادیم که خانه­هایی درست کنند با درهای متعدد و تخت­ها و مبل­ها و چیدمان­های فلان و زخرف زینت و تجملات و سنگ گرانیت نمی­دانم متری ان تومان و امثال اینها و ان کل ذالک لما متاع الحیاه و الدنیا این ها همه متاع زندگی دنیوی است والآخره عند ربک لالمتقین اصلاً خدای متعال این روزی دنیوی را که آن­قدر ما برایش ارزش قائل هستیم آن­قدر پست می­شمارد و آن­قدر بی­ارزش می­داند که اگر می­شد به مؤمنان نمی­داد در یک روایت هست که اگر مال دنیا به اندازه جناح بعوضه یعنی بال پشه در نظر خدا ارزش می­داشت خدای متعال یک قطره آب به کفار و دشمنان نمی­نوشانید اگر واقعاً چیز ارزشمندی بود خدای متعال به دشمنان خودش نمی­داد این که شما می­بینید دشمنان یا مثلاً آن کسانی که ایمان درستی ندارند خیلی اتفاقاً زندگی­شان رو به راه است و معیشتشان خوب می­گردد این هم­چین آرزو کردنی نیست خب شما می­دانید که کلمه مؤمن در لسان روایات ما از زمان امام باقر به این طرف به چه معنایی به کار می­رود به معنای شیعه به کار می­رود و به اهل سنت چه می­گفتند؟ ناس ان الناس لو علمو محاسن کلامنا لالتبعونا ناس به معنای اهل سنت است مؤمن به معنای شیعه است این روایت این­طوری هم نقل شده لولا الحاح هذه الشیعه علی ­الله فی طلب الرزق لنقلهم من الحال التی هم فیها الی ما هو منها آن بالا مؤمنین دارد اینجا تصریح شده به شیعه کلمه مؤمن در لسان روایات به معنای شیعه است خب اگر این­طوری است که خدای متعال به بعضی­ها روزی می­دهد به بعضی­ها روزی کم می­دهد و اگر هم کم می­دهد حکیمانه کم می­دهد و اتفاقاً آن کسانی که روزی کم دریافت می­کنند خیلی معلوم نیست از چشم خدا افتاده باشند چه بسا اتفاقاً جایگاه­شان در نظر خدای متعال بالا است اگر این­طوری است پس لاتمدن عینیک الا ما متعنا به ازواجا منهم زهره الحیاه الدنیا لنفتنهم فیه دیگر شما چشم خودتان را نکشید لاتمدن یعنی خیره خیره نگاه نکنید به ثروت ثروتمندان. ما طلبه­ها اگر طلبه نمی­شدیم چلاق نبودیم می­توانستیم برویم یک کاری انجام بدهیم خیلی بیشتر از اهل دنیا پول در بیاوریم همه شماهایی که الأن شهریه 200 هزار تومانی دارید چقدری دارید 500 هزار تومانی دارید بله شهریه­هایی که به میلیون نمی­رسد دیگر کسی اینجا شهریه بالای میلیون می­گیرد؟ فکر نمی­کنم. همه شما دوستان غیر از اساتید. این دوستانی که ما می­شناسیم با این استعدادها و با این تلاش­ها و این­ها اگر طلبه نمی­شدند یقیناً عرضه این را داشتند که مثل اهل دنیا در یکی از همین کارهایی که به هر حال درآمدی دارد و زندگی­شان خلاصه ولی آمده طلبه شده حالا که آمدی طلبه شدی برای انجام یک رسالت دیگری اعلام آمادگی کردی هی چشمت به اقران خودت نباشد که آن یکی مثلا فلان کس که با هم دیگر پشت یک نیمکت می­نشستید الآن با یک لیسانس رفته کجا مشغول به کار شده ماهی 7 میلیون تومان حقوق می­گیرد هی خودم را با آن مقایسه می­کند بله الآن یک ماشین خریده یک موبایل در دستش است که 15 میلیون قیمتش است یک مثلاً فلان دارد امکانات زندگی­اش چنین است چنان است لاتمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجا منهم به آن متاعی که ما به دسته­هایی از مردم دادیم در آن شما خیره خیره نگاه نکنید چشم خودتان را نکشید به اموال اهل دنیا این ها زینت­های زندگی دنیاست لنفتنهم فیه برای آزمایش داده شده و رزق ربک خیر و ابقی این هم برای معنای رزق که برخی از دوستان پرسیدند و رزق ربک خیر معلوم می­شود رزق اعم است البته شامل همین روزی مادی می­شود شامل همین نان و پنیر و چلوکباب و قیمه می­شود و اعم است و رزق ربک خیر و در یک جایی فرمودند و لا تتمنو ما فضل الله به بعضکم علی بعض اگر خدای متعال بنایش بر این نیست که روزی را مساوی تقسیم بکند به یکی کم می­دهد به یکی زیاد می­دهد این آیه را نگاه کنید والله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق این را می­آوردم پایین با این آیه کنار هم بگذارید حالا ببینیم خدا می­فرماید فضل بعضکم علی بعض فی الرزق به بعضی ها بیشتر روزی دادند و لا تتمنو فضل الله به بعضکم علی بعض شما آرزو نکنید که به اندازه او ثروت داشته باشید آرزو نکنید که متناسب با او حقوق و درآمد و شهریه داشته باشید خب این هم یک آقا روزی را خدا می­دهد دو اینکه خدای متعال که روزی می­دهد بنا نیست روزی را مساوی تقسیم بکند شما آرزو نکنید به اندازه اهل دنیا روزی داشته باشید هیچ نگران روزی هم حق ندارید باشید این­ها را همه با هم نگاه کنید ولی در طلب روزی باید باشیم ابوابی هست در کتاب های روایی ما باب ... علی الطلب و تعرض لالرزق یعنی این که انسان باید خودش را در معرض روزی قرار بدهد و به دنبال روزی هیچ نگرانی روزی نداریم ولی اجمالاً به دنبال روزی باید باشیم این­ها را با هم می­خواهیم جمع بکنیم یک کسی آمد خدمت امام صادق که قلت لابی عبدالله علیه السلام رجل قال لاقعدن فی بیتی و لاصلین و لاصومن و لاعبدن ربی فاما رزقی فسیاتینی گفت یک آقایی هست می­گوید من در خانه می­نشینم نماز می­خوانم روزه می­گیرم عبادت می­کنم روزی هم خدا می­رساند دیگر حضرت فرمودند هذا احد الثلاثه الذین لایستجاب لهم یکی از آن سه نفری است که دعایش مستجاب نمی­شود یعنی آنجا بنشیند هر چه دعا بکند خدای متعال روزی به او برساند خدا نخواهد رساند خیالتان راحت باشد اگر ما رفتیم یک جایی در را بر روی خودمان بستیم و خودمان را در معرض روزی قرار ندادیم یعنی چون خدای متعال ابی الله أن یجری الامور الا باسبابها کار را با سبب خودش و وسایل طبیعی خودش انجام می­دهد اگر ما در ها را بستیم و اجازه ندادیم اسباب ظاهری عمل بکند بعد نشستیم منتظر روزی در ها را بستیم نشستیم به گریه و مناجات و ناله و عبادت و نماز و توسل و حال معنوی و منتظر شدیم درهای آسمان باز بشود و یک سفره الهی پیش روی ما پهن شود و ما استفاده بکنیم این اتفاق نمی­افتد هرگز این دعاها مستجاب نمی­شود این دعاها یک بار در تاریخ برای حضرت مریم اجابت شده بود کل ما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا یک بار هم می­گویند برای حضرت فاطمه زهرا این اتفاق افتاده قرار بر این نیست که این اتفاق به صورت دائم بیفتد که روزی از آسمان سفره از آسمان

یک بار هم برای حضرت عیسی و حواریین ربنا انزل علینا مائده من السماء تکون لنا عیدا لاولنا و آخرنا برای حضرت عیسی هم این اتفاق افتاده یعنی به صورت معجزه آسا در طول تاریخ چند نوبت این اتفاق افتاده ولی قرار بر این نیست که همواره این موضوع تکرار شود شما باید خودت را در معرض روزی قرار بدهی خدای متعال روزی­ات را می­رساند البته یک دسته­ای روایات داریم که می­فرماید روزی بر دو قسم است من فراموش کرده بودم الآن به ذهنم آمد که آن روایات را اینجا می­آوردم فرمودند که الرزق الرزقان این­ها را دقت بکنید اعلم معلوم است عبارت خوانده می­شود؟ اعلم ان الرزق رزقان فرزق تطلب و رزق یطلبک روزی دو جور است یک جور روزی­ای است که تطلب او به دنبال تو می­آید یک روزی هست که هر کجا باشی خدای متعال می­رساند لازم نیست اصلاً دنبالش بروی یک روزی­ای است که حتمی است قطعی است و رزق یطلبک اما یک روزی هم هست که باید در طلبش باشی من اگر اجازه بدهید این را از همین الآن بکنیم و اینجا بگذاریم که معلوم بشود که روزی دو جور داریم ما اجمالاً باید در طلب روزی باشیم اعلم ان الرزق رزقان فرزق تطلب و رزق یطلبک حضرت فرمودند أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلاً دَخَلَ بَيْتَهُ وَ أَغْلَقَ بَابَهُ أَكَانَ يَسْقُطُ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ اَلسَّمَاءِ تو فکر می­کنی که ارایت یعنی فکر می­کنی

تو فکر می­کنی که اگر یک نفر برود در خانه در ها را ببندد از آسمان رزقش بر او فرو می­ریزد؟ نه آقا این خبرها نیست درست است که خدا روزی رسان است و متکفل روزی است و به بعضی کم می­دهد و به بعضی زیاد ولی من و شما بدون اینکه هیچ احساس نگرانی داشته باشیم هیچ دل مشغولی و غصه ما رو بگیرد و آرامشمان به هم بخورد موظف هستیم یک اقدامکی برای تأمین روزی داشته باشیم چرا گفتم اقدامک؟ این کاف برای چه بود؟ این کاف برای این بود که قاعده طلب روزی این است که به ما گفته­اند شما اجمال در طلب داشته باشید فاجملو فی الطلب یک قانون داریم درباره طلب روزی موظف هستیم وظیفه داریم دنبال روزی باشیم اما به شدت ما را منع کردند از اینکه برای روزی خودکشی کنیم نگران نباید باشیم خودکشی هم نباید بکنیم یک تلاش اجمالی یک اقدامک یک خرده تلاش باید بکنیم همین هیچ نگران هم نباید باشیم پیغمبر اکرم فرمودند که ان الروح الامین جبرئیل امین نفس فی روحی در جان من این گونه انداخت که انه لن تموت نفس حتی تستکمل رزقها هیچ کس از این دنیا نمی­رود تا اینکه روزی­اش کامل شود فاتقوا الله و اجملو فی الطلب تقوا داشته باشید اجمالاً دنبال روزی باشید این اجمالاً دنبال روزی باشید دو گزاره است یکی اینکه حتماً دنبال روزی باشید به فکر روزی­تان باشید یکی اینکه خودکشی نکنید چه خبر است نگرانی هم نداشته باشید یک اقدام کوچک انجام بدهید بعد فرمودند در توضیحش اینکه این اجمالاً در طلب روزی باشید در روایات دیگر به همین معنا توضیح داده شده است روایتش را هم می­خوانم فرمودند که ولا يَحمِلْ أحَدَكُم استِبطاءُ شَيءٍ مِنَ الرِّزقِ أن يَطلُبَهُ بغَيرِ حِلِّهِ اگر کسی می­بیند که روزی­اش استبطاء دارد یعنی کند می­رسد بطیء می­رسد مبادا باعث شود که از راه غیرحلال دنبال روزی برود یعنی یک موقع اگر دیدید دست­تان تنگ است چیز دیگری به ذهن­تان نرسد فانها یدرکما عند الله الا بطاعته آن روزی که عندالله هست و قرار است از آسمان نازل شود با طاعت نازل می­شود اجملو فی الطلب اجمالاً در طلب روزی باشید خودکشی نکنید به راه حرام نیفتید نگرانی هم نداشته باشید امام مجتبی (ع) به یک کسی فرمودند یا هذا ای آقا هذا یعنی آقا لا تجاهد الطلب جهاد العدو و لا تتکل علی القدر اتکال المستسلم. دنبال طلب روزی نرو مثل آن­طوری که دنبال دشمن می­روی خودکشی نکن آن­طوری که دنبال دشمن می­روی دنبال روزی نرو از آن طرف ولا تتکل علی القدر اتکال المستسلم تکیه بر قضا و قدر هم نکن مثل کسی که خودش را تسلیم کرده و رها کرده نه از این طرف بنشین بدون کار و بدون اقدام نه از آن طرف خودکشی کن یک اقدامک. فان انشاء الفضل من السنة واقعش این است که معنای این عبارت را من نمی­دانم اگر دوستان کسی می­داند بگوید دو سه جا هم مراجعه کردم که ببینم کسی خوب توانسته در این ترجمه کتاب­های حدیث معمولاً در رفته­اند دیدید آن جاهایی که آدم دنبال ترجمه­اش می­گردد خیلی از مترجمین زیرآبی در رفته­اند همان­جایی که آدم شرح می­خواهد شروح حدیث می­بینی که آنها این جمله معنایش برای من روشن نیست دو سه جور با تکلف معنا کرده بودند ولی برای من روشن نیست کسی می­تواند الآن معنای روشنی بگوید؟ فان انشاء الفضل من السنة یعنی چه؟

یعنی ایجاد فضل از سنت است؟

آهان یعنی این که خدای متعال فضل را انشاء کرده یعنی اینکه خدا انشاء کرده است فضیلت در رزق را این از سنن پروردگار است از قوانین الهی است بله این با ظاهر کاملاً می­خواند احسنت. جزاکم الله بله جالب است من در چند تا از این ترجمه­های احادیث نگاه کردم مثلاً انشاء الفضل را این­گونه نوشته بود به دست­آوردن فضل خدا از سنت است خب انشاء به معنای به دست آوردن نیست.

بله بله فضل را به معنای فضیلت در رزق خیلی خب دست شما درد نکند یک صلوات عنایت کنید برای ایشان.

تمام شد؟ چشم این جمله را بخوانم این روایت را تا آخر بخوانم تمام والاجمال الطلب من العفه اجمال در طلب این کلیدواژه اجمال در طلب خیلی در روایات ما آمده است قانون دنبال روزی رفتن این است فاجملوا فی الطلب این را باید هم خودمان توجه داشته باشیم هم در مراوداتمان با مردم تذکر بدهیم که آقا برای روزی خودکشی نکنید برای روزی نگران نباشید اقدامکی انجام بدهید یک خورده تلاشی کافی است فاجملوا فی الطلب فرمودند اجمال در طلب از مصادیق عفت است و لیست العفه بدافعه رزقا و لا الحرص بجالب فضلاً اگر شما عفت داشته باشید یعنی خویشتن­داری داشته باشید در طلب رزق عفت در طلب رزق، همین اجماع این این­طوری نیست که روزی شما را کم بکند اگر حرص بورزید و خودکشی بکنید در طلب رزق معلوم نیست روزی­ات زیاد شود فان الرزق مقسوم و استعمال الحرص استعمال المعاثم روزی شما تقسیم شده است حرص ورزیدن هم گناه است این اجمالاً تا به اینجا بقیه روایتش را ان­شاء­الله در جلسه بعد خدمت عزیزان هستیم و الحمدلله صلوات بفرستید.

امر بین امرین یعنی شما یک تلاشک باید بکنی خدا هم کار خودش را می­کند یعنی نه جبر است نه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین اللهم صل علی محمد و آله الطاهرین و لعنت الله علی اعدائهم الی یوم الدین در ادامه روایتی که می­خواندیم باز از امیر المؤمنین نقل شده که حضرت فرمودند که كم من متعب نفسه مقتر عليه، و كم من مقتصد في الطلب قد ساعدته المقادير می­گویند که خیلی هستند که خودشان را به زحمت می­اندازند اما متقرٍ علیه هستند یعنی بر آنها تنگ گرفته می­شود این همه زحمت می­کشد خاصیتی برایش ندارد زندگیش با آسایش کامل نمی­گذرد برعکس و مقتصد فی­الطلب کسانی هم هستند که مقتصد فی­الطلبند یعنی خودکشی نمی­کنند یک طلب اجمالی دارند قدساعدته المقادیر اما قدر الهی آنها را کمک می­کند مقادیر الهی آنها را کمک می­کند باز مشابه این از امام صادق علیه السلام فرمودند که لِيَكُن طَلَبُكَ المَعيشَةَ فَوقَ كَسبِ المُضَيِّعِ ، دُونَ طَلَبِ الحَريصِ از آن کسانی که ضیِّع هستند شما باید بیشتر تلاش بکنید از آن کسانی که حریص هستند و راضی به دنیا و مطمئن به دنیا هستند از آنها باید پایین­تر تلاش بکنید این تعفف لازم دارد بمَنزِلَةِ المُنصِفِ المُتَعَفِّفِ خودت را قرار بده که تَرفَعُ نفسَكَ عن مَنزِلَةِ الواهِي الضَّعيفِ و تَكتَسِبُ ما لا بُدَّ للمُؤمنِ مِنهُ و آن مقدار که لابدمنه است را به دست بیاوری بله این روایت مشابه. یک نکته دیگر که باید توجه بدهیم این است که راه طلب رزق فقط طلب مادی نیست یک طلب مادی داریم که خودمان را در معرض رزق قرار بدهیم یعنی به نوعی آن راه­ها را حالا یک مقدار مصادیق طلبگی آن را گفتگوی آنها را پیدا می­کنیم مثلاً آن کسی که دکان­دار است و بلند می­شود صبح در دکانش را باز می­کند آن کسی که راننده تاکسی است بلند بشود برود در تاکسی بشیند و خودش را در معرض قرار بدهد علاوه بر این ما راه­های طلب رزق داریم راه­های طلب مادی نیست راه­های طلب معنوی است مثل دعاکردن ادع فی طلب الرزق دعا کنید به خاطر، کسانی که رزقشان کم است یکی از راه­هایی که در روزی به اینها باز بشود این است که دعا بکنند از خدا بخواهند اگر روزی به دست خداست بعضی دعاها هست که بعضی چیزها هست که تا ما نخواهیم خدا نمی­دهد اگر بخواهیم خدا می­دهد آنی که بخواهیم خدا می­دهد ادعونی استجب لکم اینکه نخواهیم خدا نمی­دهد قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ دعا نکنید خدا توجه نمی­کند بنابراین اول اینکه از خدا بخواهید نماز بخوانید برای طلب رزق استعینوا بالصبر والصلوه نماز بخوانید این این­هم در روایات داریم یکی از راه­های طلب رزق این است که انسان اول صبح دنبال طلب رزق برود باكِروا في طَلَبِ الرِّزقِ این­هایی که می­گیرند می­خوابند بعد از نماز صبح تا نمی­گویم کی بله آقا می­فرمایند الی یوم­القیامه می­خوابند مثلاً تا لنگ ظهر ساعت ده و نیم یازده اینها روزیشان کم می­شود یکی از عوامل کم­شدن روزی همین است رزق اعم از درآمد است رزق شامل درآمد مادی می­شود شامل غیر درآمدهای مادی هم می­شود البته رزق ممکن است به صورت هدیه برسد رزق ممکن است از یک راه من حیث لایحتسبی که ما برای آن تدبیر نکردیم ممکن است برسد ممکن است مادی باشد ممکن است معنوی باشد ممکن است علم باشد ممکن است هدایت باشد درآمد باشد ولی رزق نباشد یعنی آدم از آن استفاده نمی­کند به قول بعضی­ها می­گویند حروم می­شود یکی دیگر از عوامل رزق توجه بکنید اینها را باید یک کمی تا قسمتی ما جدی بگیریم و مجرب هم هست لجلوس الرجل في دبر صلاة الفجر إلى طلوع الشمس أنفذ في طلب الرزق من ركوب البحر اینکه آدم بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید در سجاده­اش بنشیند لجلوس الرجل بنشیند و با خدا ارتباط برقرار بکند این در طلب الرزق نافذتر است از اینکه شما سوار برکشتی شوید و به این طرف شهر بروید یک تعبیری در تعقیبات عشاء هست نمی­دانم دوستان یادشان است یا بگردیم پیدا بکنیم تعقیب نماز عشاء چیه؟ إِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلَى قَلْبِي این را دقت بکنید بعضی وقتها هست آدم سر کار است این روایت این­جوری است می­گوید که زراره می­گوید که حضرت ابا عبدالله و شکی علیه رجل من شیعته الفقر می­گوید من خدمت امام صادق بودم یکی از شیعیان شکایت کرد از فقر به امام صادق علیه­السلام من الفقر و ضیق المعیشه و أنه یجور فی طلب الرزق فلا یزداد الا فقرا می­گوید من خیلی دنبال روزی هستم اما در روزی بر روی من باز نمیشه حضرت فرمودند که وقتی نماز عشاء را خواندی فقل و انت متأنن با آرامش این دعا را بخوان اَللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي وَ إِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلَى قَلْبِي فَأَجُولُ فِي طَلَبِهِ اَلْبُلْدَانَ وَ أَنَا فِيمَا أَنَا طَالِبٌ كَالْحَيْرَانِ لاَ أَدْرِي أَفِي سَهْلٍ هُوَ أَمْ فِي جَبَلٍ أَمْ فِي أَرْضٍ أَمْ فِي سَمَاءٍ أَمْ فِي بَرٍّ أَمْ فِي بَحْرٍ وَ عَلَى يَدَيْ مَنْ وَ مِنْ قِبَلِ مَنْ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ وَ أَسْبَابَهُ بِيَدِكَ وَ أَنْتَ اَلَّذِي تَقْسِمُهُ بِلُطْفِكَ وَ تُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ اَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِجْعَلْ يَا رَبِّ رِزْقَكَ لِي وَاسِعاً وَ مَطْلَبَهُ سَهْلاً وَ مَأْخَذَهُ قَرِيباً وَ لاَ تُعَنِّنِي بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقاً می­گوید خدایا من را سر کار نگذار و لاتعننی من را به زحمت نینداز در طلب­کردن آن چیزی که روزی من در آن نیست بعضی وقتها ما سرکاریم یعنی هر چه داریم می­دویم ولی بی خاصیت است اینکه فرمود بعد از نماز صبح بنشینید سجاده­ات تا طلوع آفتاب برای طلب روزی باصطلاح مفیدتر است این­جوری است که گاهی وقت­ها آدم سرکار است این طرف و آن طرف می­رود ولی حاصلی ندارد بعضی وقتها هم می­بینید سیستم روزی­دهی خدای متعال به قول این امروزی­ها سی به سی است یعنی گاهی وقتها در روزی باز می­شود و حساب­ها پر می­شود و خلاصه آدم احساب می­کند که خیلی وضعیت خوب است پشت سر هم برکاتی می­رسد گاهی وقت­ها هم آدم همش دارد از سرمایه می­خورد از مایه می­خورد همه چیز دارد تمام می­شود این هم جزء قواعد است خیلی نباید نگران باشیم این هم برنامه همین جوری است قرار نیست که همش. یکی از چیزهایی که منشأ جلب روزی می­شود استغفار است فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْراراً طبق آیه شریفه قرآن آسمان مدرار می­شود یعنی ریزان می­شود مدرار از ماده درر ادرار هم از همین است وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ یک نکته دیگر توجه بکنید خدای متعال یک چیزی دارد یک کلید واژه­ای است در قرآن رزق کریمانه رزقٌ کریم این را خدا به مؤمنان می­دهد مؤمنان رزق کریم دارند رزق کریمانه دارند الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفره و رزق کریم هیچ دلیلی ندارد که این مربوط به آخرت باشد در همین دنیا خدای متعال رزق کریم به او می­دهد یعنی کرامتش باقی بماند و احساس پوچی و حقارت نکند خدای متعال این جوری برخورد می­کند آیات متعددی دارد دیگر نمی­خوانم یک نکته دیگر توجه کنید برای کسب روزی راه­های متفاوتی هست امام صادق علیه­السلام فرمودند من الناس من رزقه فی التجاره بعضی اصلاً روزی­شان در تجارت است باید برود کسب و کار بکند و منهم من رزقه فی­السیف بعضی­ها نظامی­اند روزی­شان را از راه فعالیت­های نظامی درمی­آورند سردار قاسم سلیمانی و منهم من رزقه فی لسانه بعضی هم آخوندند رزقه فی لسانه اینها باید حرف بزنند باید برود این طرف و آن طرف تبلیغ بکند.

آن­هم من چون پایین­تر نوشتم روایتش را آنجا عرض خواهیم کرد که یکی از راه­های طلب روزی دنبال علم رفتن است اگر آن روایت را بخواهیم بگوییم دانش­آموزی است خود این دانش­آموزی یک مجرای طلب. یک نکته دیگری که هست این است که در مقابل فعالیت­های تبلیغی طلبگی انسان نباید طلب درخواست پاداش بکند درخواست پاداش بکند یعنی شما جایی تبلیغ می­روید یا فعالیت­های دینی انجام می­دهید توقع نباید ما داشته باشیم که مردم به ما پاکتی بدهند البته خوب مردم معمولاً می­دهند و یا حالا اگر یک موقع هم ندادند به هیچ وجه انتظار چیزی نباید داشته باشیم هیچ چشم­داشتی نباید باشد آیات متعددی هست در قرآن کریم درباره انبیاء الهی گفته شده که شما از مردم درخواست نکنید کمابیش در ذهنتان هست أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّکَ خَیْرٌ وَهُوَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ تو از مردم می­خواهی پاداش درخواست بکنی پاداشی که خدا می­دهد بهتر است خدای خیر الرازقین است آنی که خدا برای تو در نظر گرفته آن. ببینید خدا از یک طرف فرموده که یک عده بروند طلبه بشوند آیه 122 سوره مبارکه توبه آیه نفر فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍمِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِى ٱلدِّينِ وَلِيُنذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُو إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ این از این از آن طرف آن­هایی که طلبه شدند به عنوان وارثان انبیاء العلماء ورثه الانبیاء اینها مثل انبیاء باید از مردم درخواست پاداش نکنند در مقابل فعالیت­هایی که انجام می­دهند درخواست پاداش نکنند این دو خوب نتیجه­اش این می­شود که خود خدای متعال قاعدتاً این­جوری باید باشد از این طرف می­گوید شما بروید این کار را بکنید از آن طرف هم می­گوید درخواست پاداش نکنید علی­القاعده خراج ربک خیر و هو خیر الرازقین فان تولیتم آشنا هستید نمی­خوانم نکته دیگری که هست به این توجه بکنید که دو تا کلیدواژه توحیدی فوق­العاده معرفت­آموز در تعالیم قرآنی و روایی ما هست که دوستان اگر خیلی سرمایه­گذاری کنند برایش خیلی خوب است هر چقدر سرمایه­گذاری کنند خوب است یکی کلیدواژه رزق است یکی کلیدواژه بلاء البته ظاهراً بلاء هم مصادیق رزق است ولی این دو کلیدواژه خیلی معرفت­آموز است خیلی توحیدی است یعنی آنجایی است که خدای متعال سریع با بندگان خودش ارتباط برقرار می­کند در دادن رزق و فرستادن بلاء درباره این ابتدای دعای ندبه درباره پیامبران آمده که الّذين اسْتخْلصْتهمْ لنفْسك پیامبرانی که خدای متعال آنها را برای خودش خالصاً در نظر گرفته برای دینش در نظر گرفته اذ اخْترْت لهمْ جزيل ما عنْدك من النّعيم الْمقيم الّذي لا زوال له ولا اضْمحْلال اینها را خدای متعال انتخاب کرده برای آن نعیم مقیم اینها را برای خودش در نظر گرفته واصتنعتک لنفسی می­فرماید من اصلاً تو را برای خودم ساختم به حضرت موسی این طوری می­فرماید من تو را برای کار خودم درست کردم برای اینکه کار من را راه بندازی تو را آفریدم اسْتخْلصْتهمْ لنفْسك ودينك برای حمایت دینش برای کار خودش حضرات انبیاء علیهم­السلام را آفریده و درست کرده و ساخته و پرداخته منتهی شرط دارد بعْد انْ شرطْت عليْهم الزّهْد في درجات هذه الدّنْيا الدّنيّة وزخْرفها وزبْرجها، فشرطوا لك ذلك وعلمْت منْهم الْوفاء به وقتی که آنها شرط را پذیرفتند و تو هم فهمیدی که حتماً وفا می­کنند که بی رقبت باشند در درجات این دنیا آن وقت فقبلْتهمْ وقرّبْتهمْ، وقدّمْت لهم الذّكْر الْعليّ این مال ماست ببینید عرض کردم آقا فرض کنید حوزه علمیه از همین ماه به هر طلبه­ای شهریه 15 میلیون تومان مثلاً عنایت کنند شهریه بدهند شما فکر کنید این چیز خوبی است اینکه شهریه ما ماهیانه بشود 15 میلیون تومان 20 میلیون تومان این چیز خوبی است یک کم تبعات این مسأله را توجه کنید اولین تبعه­ای که دارد این است که استقبال از حوزه علمیه به شدت بالا می­رود یعنی تقریباً 50 میلیون نفر متقاضی ورود به حوزه­های علمیه می­شوند این اولین خاصیتش است حالا فکر می­کنند چیز خوبی است مثلاً حوزه شهریه 15 میلیونی بدهد بعد خوب استقبال هم خوب بشود بیان طلبه بشوند فکر کنند یک چیز خوبی است نه این چیز خوبی نیست و خلاف سنت پروردگار است خدای متعال مؤمنان را می­آزماید برای اینکه معلوم شود واقعاً ایمان دارند راست می­گویند ایمان دارند یا اینکه نه به قول معروف تا پول داری رفیقتم قربون بند کیفتم یعنی دنبال دنیا آمده دنبال منافع آمده واقعاً دنبال ایمان نیست این را خدا باید معلوم کند برای همین وقتی که ما ایمان می­آوریم یک مقداری ما را می­چلاند هر چه درجات ایمان ما و یا ادعای ایمان ما بالاتر برود آزمایش ما سخت­تر می­شود أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتْرَكُواْ أَن يَقُولُواْ ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ فکر می­کنید خدا ولتان می­کند اینکه بگویید ایمان آوردید دیگر خدا می­گوید شما بچه خوبی هستید نخیر فَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعْلَمَنَّ ٱلْكَاذِبِينَ خدا باید معلوم بکند کیا راست می­گویند ما ایمان داریم کیا دنبال منافع مادی آمدند ادعای ایمان می­کنند این باید معلوم بشود فرض کنید شاید این بیان نزدیک­تر باشد فرض بکنید هر بار که ما دو رکعت نماز می­خوانیم بلافاصله زیر سجاده ما یک ربع سکه بهار آزادی سبز بشود اگر این اتفاق بیفتد صف نماز جماعت از اینجا تا کجا کشیده می­شود تا مشهد ولی این خوب است؟ آیا نماز جماعت این­قدر شلوغ شود خوب است؟ نه چرا به خاطر اینکه معلوم نیست کی واقعاً برای نماز آمده و کی برای آن سکه آمده کی برای دنیا آمده خدا باید این را معلوم بکند ليميز الله الخبيث من الطيب باید معلوم بشود چه کسی دنبال دنیا است کی واقعاً برای نماز آمده برای همین بعضی وقتها نمازخوان­ها در زندگی می­چزند فرض کنید هر بار که ما دستمان را به سمت آسمان دراز می­کردیم از خدا درخواست می­کردیم بلافاصله یک چک پول صد هزار تومانی تاب می­خورد و می­افتاد کف دست ما اگر این­جوری بود مراسم دعا و مناجات همیشه دستها به سمت خدا بالا بود همه در حال گریه و مناجات بودند همه در حال ارتباط با خدا بودند ولی این خوب بود نه این خوب نبود به خاطر اینکه معلوم نیست که کی دنبال خداست کی آمده دنبال دنیا یعنی این را خدا وسیله کرده برای اینکه به منافع مادی­اش برسد فرض کنید اگر ما گناه می­کردیم بلافاصله یک دست غیبی می­آمد اولین گناهی که نعوذ بالله از ما صادر شد یک پس گردنی محکم به ما می­زد آدم­ها چند بار گناه می­کردند خیلی خیلی بخواهیم بگوییم گناه می­کردند یک­بار بود یعنی اولین پس گردنی که می­خورد دیگر گناه نمی­کرد این دیگر آخر آخرش است درست است؟ ولی این ارزش داشت نه این ارزش نداشت قانون خدا این­جوری نیست خدای متعال این باصطلاح عقوبت را تأخیر انداخته استجابت دعا را تأخیر انداخته به ظاهر به واقع همان لحظه که شما دعا کنید ادعونی استجب برو برگرد ندارد حتماً مستجاب خواهد شد ولی استجابت آن چیزی که شما می­خواهید نیست خدا حتماً جواب می­دهد بدون شک جواب می­دهد ولی ممکن است آن چیزی که شما بخواهید ندهد و موقعی که گناه می­کنی عقوبت بلافاصله نیست موقعی هم که ثواب می­کنید بلافاصله خدای متعال به شما منافع مادی نمی­دهد تا معلوم بشود فَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعْلَمَنَّ ٱلْكَاذِبِينَ معلوم بشود کی راست می­گوید من ایمان دارم کی دنبال قربون بند کیفه کی دنبال منافع مادی است برای همین ایمان­آوردن و دعاکردن و طاعت منافع مادی و مزایای دنیوی معلوماً ندارد خدا می­فرماید حیف که نمی شود اگر می­شد من آن­قدر به کافرا می­دادم که چنین و چنان و شما را در حالت اذیت قرار می­دادم کان الناس امه واحده که مردم تحت یک قانون هستند نمی­شود خدا تبعیض بگذارد این­جوری برخورد نمی­کند و الا دوست داشته خدا این­جوری عمل بکند حالا به این توجه بکنید هر چه مراتب ایمان انسان بالاتر برود استحقاق ابتلا بالاتر می­رود بر اساس همین قانون اگر اینها را توضیح بدهم خیلی حرف دارد شما هم کم و بیش می­دانید این ابتلا خیلی خیلی کلیدواژه مهمی است در معارف توحیدی اسلامی خیلی مهم است که خوب ما طلبه­ها که قرار است پاسدار دین باشیم قرار است عالِم دین باشیم قرار است مربی دینی باشیم قرار معلم دین باشیم مروج دین باشیم مبلغ دین باشیم ماها طبیعتاً در معرض ابتلائات بیشتری باید قرار بگیریم اگر البلاء للولاء شما قبول دارید هر که در این بزم مقرب­تر است جام بلا بیشترش می­دهند قاعدتاً این­جوری باید باشد خدا می­فرماید که به آن اولیایی که برای خودم در نظر گرفته بودم خالصانه برای خودم و دینم درستشان کرده بودم اول با آنها شرط کردم که شما در درجات این دنیای دنی و زخرف و زبرجش شما باید زهد ببندید بی­اعتنا باشید یعنی ببینید آقا اگر آمدید طلبه بشوید بدان که به هر حال نمی­توانی یک زندگی مثل اقران خودت درست بکنی اگر می­خواهی دنبال دنیا بروی بسم­الله برو دنبال دنیا نوئته منها خدا می­فرماید، اگر آمدی دنبال طلبگی­ات کمی تا قسمتی تزاحم وجود دارد تزاحم با همدیگر نمی­خواند خدا رحمت کند مرحوم آیت الله میانجی را ایشان می­فرمودند که جمع داشته باشید خیلی توصیه می­کردند جمع داشته باشید می­فرمودند که ما خودمان هم یک جمعی داریم شاید شنیده باشید مرحوم آیت الله میانجی با آیت­الله شبیری زنجانی با مرحوم آسید مهدی روحانی با آقای آذری قمی و آقای آسید موسی صدر ایشان می­فرمودند ما یک جمعی داشتیم با همدیگر هنوز هم داریم تا آخر عمرشان این جمع را حفظ کرده بودند الآن از آن جمع فقط آیت الله زنجانی باقی مانده همه از دنیا رفتند رحمت الله علیهم اجمعین می­فرمودند که ما جمع داشتیم آیت الله مشکینی هم بودند می­فرمودند که آیت­الله مشکینی بزرگ­تر ما بود مثل برادر بزرگه ما بود می­فرمودند که ما از جمله رفته بودند یک زمین خریده بودند و می­خواستند بسازند آیت الله مشکینی که متوجه شدند من را توبیخ کردند و فرمودند که تو بروی دنبال ساختن زمین بعداً می­خواهی برای ادامه­اش قرض بکنی بعد می­خواهی قسط بپردازی بعد قسط که می­خواهی بپردازی باید بروی یک مقداری کار بکنی طلبگی را انجام ندهی برو بفروش ایشون می­فرمودند ما هم حرف می­شنیدیم و رفتم آن زمین را فروختم و خوشحال هستم که طلبگی خودم را نگه داشتم و الا گرفتار آن بنّایی می­شدم معلوم نبود از کجا سر در بیاورم ببینید این شرطت علیهم الزهد فی درجات الدنیا الدنیه آن کسی که می­خواهد مستخلص باشد برای خدمت به دین به هر حال باید از بخشی از این مزایای مادی و منافع دنیوی بگذرد این قانون است انگار یعنی یک جورایی در دار تزاحم هم پرداختن به دنیا به اندازه اهل دنیا و هم پرداختن به این خدماتی ما می­خواهیم انجام بدهیم اینها با همدیگر انگار جور درنمی­آید معمولاً خدای متعال یک وعده روزی غیر قابل پیش بینی داده یرزقه من حیث لایحتسب اولش این است می­فرماید و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایحتسب یک روزی من حیث لایحتسب داریم که ما طلبه­ها خیلی در زندگی خودمان تجربه کردیم حالا اگر که باب گفتن خاطرات باشد من سؤال را باز کنم طبیعتاً هر کدام از شما داستان­های متعددی دارید از این که یک جایی کفگیر خورده به ته دیگ بعد از یک طریقی که شما اصلاً گمان نمی­کردید اینها را ما در زندگی خودمان دیدیم یعنی دست عنایت خدا را حضور مستقیم خدا را در ارائه رزق در زندگی خودمان دیدیم ولی از آن غافل می­شویم من این آیات و روایاتی که اینجا انتخاب کردم با همدیگر مرور بکنیم به این جهت بود که این غفلت برداشته شود و الا یک دور برگردیم به گذشته خودمان آقا شما در این سی و چند سالی که از خدا دریافت کردید همه در همین فاصله هستید بین سی تا چهل به نظر می­رسید در این سی و چند سال عمری که از خدا دریافت کردید چند شب گرسنه خوابیدید یک دور این را مرور بکنید چند شب گرسنه خوابیدید این را مرور بکنید این سی و چند سال چند شب هست نسبت به این چند شب ما چند شب گرسنه خوابیدیم یعنی هیچ چیز نداشتیم و همین طور گرسنه بخوابیم خوب آن خدایی که این­جوری رزق ما را از ابتدا داده است بعد از این هم ان شاء الله می­دهد اگر آن خدا از دنیا رفت آن وقت ما نگران می­شویم ولی اگر آن خدا هست نباید نگران بشویم عجالتاً به این توجه بکنیم که اگر ما این چیزی که مربوط به خود ما طلبه­ها هست توجه بکنیم به اینکه اگر ما طلبه­ها به دنبال عمل به این توصیه باشیم که برویم پول در بیاوریم دنیا را آباد بکنیم آن می­شود تشکیل حکومت اسلامی که امام انجام داد تمدن اسلامی یعنی قدرت را مجاری ثروت را به دست گرفت فقیه جامع الشرایط نائب امام زمان برای اینکه این جریان در واقع شیعی در عالم گسترش بدهد همین اتفاقی که افتاده ولی ما در زندگی شخصی خودمان اگر دنبال این داستان برویم طبیعتاً از انجام وظایف فرهنگی تبلیغی خودمان باز می­مانیم به این توجه کنید که ما عنصر فرهنگی هستیم خدماتی که ما به جامعه ارائه می­دهیم خدمات نرم است و این عنصر فرهنگی اگر بخواهد بپردازد به امر معیشت از مسئولیت فرهنگی خودش باز می­ماند در محیط کوچک خانواده خدای متعال حداقل دو تا رکن قرار داده یک زن یک شوهر زن مسئولیتش مسئولیت فرهنگی تربیتی است یعنی باید انتقال فرهنگ بکند به نسل آینده مرد مسئولیتش مسئولیت اجتماعی اقتصادی است مرد را موظف کرده که تو معیشت زن را بر عهده بگیر که زن وجوب نفقه است که زن با خیال راحت و فراغت بتواند به آن مسئولیت نرم خودش بپردازد که مسئولیت فرهنگی تربیتی باشد یک همچین مدلی ما در داخل خانه داریم یعنی نیروهای فرهنگی اگر بخواهند دغدغه­های معیشتی داشته باشند عملاً از کار خودشان باز می­مانند و شاید به خاطر همین بوده که شرطت علیهم الزهد و درجاتها الدنیا الدنیه اول خدا شرط کرده

این مجموعه روایاتی که ما آوردیم تلاش کردیم که یعنی مجموعه روایاتی که به ما آموختند و آیات قرآن کریم یک چارچوب فکری برای ما درست می­کند در این چارچوب فکری ما باید تدبیر بکنیم آن عقل عملی یا عقل معاشی که در واقع هست آن حکمت عمل باید در چارچوب قواعد باشد این چارچوب را ببینیم حالا برایتان تدبیر می­کنم من اگر اجازه بدهید دو سه تا روایت دیگر هست اینها را بخوانیم بعد بقیه جلسه را پرسش و پاسخ بگذرانیم و من استفاده بکنم از فرمایشات عزیزان. یک روایتی از پیغمبر اکرم نقل شده که فرمودند اِنَّ اللّه َتَعالى قَدْ تَكَفَّلَ لِطالِبِ الْعِلْمِ بِرِزْقِهِ خاصَّةً عَمّا ضَمِنَهُ لِغَيْرِهِ یک ضمانت خاص یک روزی خاص خدای متعال متکفل روزی همه بندگان است روزی همه جنبدگان علی الله رزقها ولی برای طالب العلم یک رزق خاص در نظر گرفته یک عنایت ویژه در نظر گرفته این روایت تنها جایی که در منابع شیعی شما می بینید منیه المرید مرحوم شهید ثانی است دیگر هیج جای دیگری شما نمی­بینید هر کسی نقل کرده از منیه المرید شهید ثانی نقل کرده می­دانید که در منیه المرید شهید ثانی یک سری روایت هست شهید ثانی مال قرن هفت است چند است هفت باید باشد یا هشت است شهید ثانی 966 می­شود قرن 10 اینکه یک روایتی از قرن ده طرح شده باشد این خیلی بعید است یعنی ما هیچ سابقه­ای از آن نداشته باشیم از قرن ده تازه به منسه ظهور رسیده باشد این خیلی بعید است مرحوم شهید ثانی دسته­ای از روایات را از منابع اهل سنت نقل کرده در مثل کتاب منیه المرید و بعضی از کتاب­های خودش شاید به خاطر اینکه با اهل سنت مراوده داشته یا هر چه هست نمی­دانیم به هر حال دسته را نقل کرده این روایت کجاها آمده در الجامع الصغیر آمده یکی در کنزالعمال متقی الهندی آمده که مثلاً آنجا آمده الطلب العلم تکفل الله رزقه به این شکل آمده در احیاء العلوم غزالی آمده که شما می­دانید احیاء العلوم را در زمانی که سنی بوده نوشته این اواخر می­گویند شیعه شده حالا طبق قولی می­گویند و در تعلیم المتعلم این هم از منابع اهل سنت است این­طور آمده که من تفقه فی دین الله کفاه الله تعالی ما اهمه و رزقه من حیث لا یحتسب حالا این مفادش در واقع جای دیگری نداریم منتها ما یک جور دیگر می­توانیم تأییدش بکنیم یکی اینکه این اختصاص به اهل علم ندارد خدای متعال روزی همه بندگان را بر عهده گرفته این یک، نکته دوم اینکه خدای متعال به یک عده­ای گفته شما بروید طلبه بشوید لیتفقوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون از یک طرف هم به اینها گفته که شما از مردم درخواست اجرت نکنید خوب علی القاعده خودش باید متکفل بشود علی­القاعده این­طوری می­شود جمع این دو تا ممکن است این جوری بشود اگر این روایت را نداشته باشیم مضمونش را می­توانیم با یک هم­چین چیزهایی تأیید بکنیم

دو تا روایت دیگر را هم من بخوانم یک نکته دیگری که باید توجه بکنیم در زندگی طلبگی با همه این چیزهایی که با همدیگر مرور کردیم اینکه به هر حال طلبگی با دنیاطلبی نمی­سازد شرطت علیهم الزهد یک تزاحمی وجود دارد یک نکته­ای که خیلی در روایات ما هست من دیگر فرصت نکردم همه را جمع آوری بکنم این است که ما را توجه دادند به کم خرجی و قناعت کردن و تقدیرالمعیشه تقدیر از ماده قَدَرَ به معنای اندازه می­آید تقدیر یعنی اندازه­گیری کردن برای معیشت یعنی آدم اندازه را نگه دارد حساب و کتاب داشته باشد در زندگی ممکن است این کلمه تقدیر از ماده قَدر باشد به معنای ضیق به یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر یقدر به معنای یضیق است یبسط و یضیق یا آن آیه شریفه هست درباره حضرت یونس فرمود که وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ نقدر علیه یعنی چه یعنی گمان می­کرد که ما بر او سخت نمی­گیریم تنگ نمی­گیریم قدر آنجا به این معنا است تقدیرالمعیشه یعنی یک مقدار آدم زندگی را بر خودش حساب و کتاب داشته باشد حالا اصفهانی ها خوب بلدند ولی تنگ بگیره ببینید اینها را البته من باید درس پس بدهم شما هم اصفهانی هستید وقتی آدم یک ذره خرجش را شل می­کند هزینه­هایش یک ذره اضافه نمی­شود دو برابر می­شود شما ظاهراً یک ذره خرج را شل کردید ولی هزینه­های شما دو برابر می­شود این یک فرمول خیلی عجیبی است که تجربه شده این هم از مجربات است تجربه شده است آدم باید بلد باشد چطوری مصرف می­کند این را ما باید خصوصاً به طلبه­های جوان­تر شما الحمدلله تجاربی در زندگی به دست آوردید اینها برایتان ملموس است ولی اینها را به طلبه­های جوان­تر باید یاد بدهیم ولخرجی کردن و رها بودن و همین­طوری پول خرج کردن این درست نیست و قاعده زندگی هم این نیست که از همان اول زندگی شما اوائل زندگی من از زندگی شخصی خودم بگویم اوائل زندگی ما برای خودمان برنج لاشه می­گرفتیم می­خوردیم همین الآن خانواده ما در برنج بلغور گندم می­ریزد نصف به نصف برنج کیلویی 12 هزار تومان برنجی که ما می­خریم مثلاً کیلویی 12 هزار تومان بلغور گندم کیلو 4 هزار تومان هم خوشمزه­تر می­شود هم سردی برنج گرفته می­شود هم خیلی ارزون­تر و مقرون به صرفه­تر در می­آید و بالأخره این اقتصاد است

ما این فرمول­ها را این الآن قابل اجراست ما الآن داریم اجرا می­کنیم برای خودمان و بچه­هایمان همین الآن اجرا می­کنیم مثلاً فرض بکنید پروتئین مورد نیاز بدن ما می­تواند از گوشت ران گوسفند کیلویی 120 هزار تومان تأمین بشود می­تواند از سیرابی تأمین بشود.

ما سبک زندگی­مان خراب شده یک مقدار باید به این توجه بکنیم در زندگی شخصی خودمان اینها در زندگی شخصی خودمان است در زندگی شخصی خودمان لازم نیست همیشه برنج دانه­ای بیست و چند هزار تومان بخریم من که دارم می­گویم مال همین الآن­مان است ما همین الآن برنجی که می­خریم کیلویی 12 هزار تومان است برید شما از جانبازان برنج اهوازی هست برنج خوبی هم هست می­گویند طبیعتش هم گرم است کیلویی 10 تومان همین الآن. اینها را به عنوان مثال عرض کردم امثال این چیزها در همه مخارج زندگی باید رعایت بشود در خریدن لباس بشناسیم آن جاهایی که لباس مناسب­تر هم از نظر ظاهر خوب و قیمت ارزان­تر هست مخصوصاً در اجتماعات به همدیگر معرفی کنیم که مثلاً فلان جا لباس ارزانتر می­دهند یا مثلاً فرض بکنید چند نفر با همدیگر جمع بشوند یک دانه گوسفند بکشند قیمتش خیلی ارزانتر در می­آید تا اینکه بروی گوشت را از قصابی بخری اینها تدبیر در معیشت است همان تقدیرالمعیشه است یا مثلاً فرض بکنید که در پرداختن کرایه لازم نیست آدم همیشه ماشین مثلاً اسنپ سوار بشود گاهی وقتها با اتوبوس بروید جاهایی که می توانید با اتوبوس بروید جایی که می­توانید پیاده بروید ورزش هم هست در مخارج هم صرفه­جویی می­شود اینها را باید خصوصاً به جوان­ترها یاد بدهید که این­جوری نیست که پول همین طور از آسمان بریزد قانون خدا این نیست باید یک مقداری در زندگی این توجهات باشد ما به تعبیر حاج آقا در دهه مثلاً فرض کنید 90 این­طوری باب شده که همه دوست دارند انواع و اقسام ریخت و پاش­ها را بکنند تلویزیون جمهوری اسلامی هم لطف می­کند یک زوج جوان را که تازه ازدواج کردند نشان می­دهد با انواع امکانات ماشین و مبل و فلان و این حرف­ها توقع­ها بالا آمده درحالی که واقعیت زندگی این نیست قرار هم بر این نیست که خدای متعال این­جوری روزی بدهد

اگر احیاناً دستت رسید ای که دستت می­رسد تو کاری نکن اون کسی که دستش. اون هفته بود من شنیدم یک آقای طلبه­ای موبایل خریده 12 میلیون تومان چه خبره بعد می­گفتند که کارش همین است که دائم مدل جدیده را می­خرد باز من از زندگی خودم عرض بکنم خیلی­ها به من گفتند که خیلی ها یعنی یکی دو تا سه تا نبوده به من گفتند که نمی­خواهی ماشینت را عوض بکنی من یک عدد پراید علیه السلام دارم نمی­خواهی ماشینت را عوض بکنی شاید من بتوانم با یک مقداری زحمت این ماشین را عوض بکنم البته خیلی ساده هم نیست منتها احتمالاً می­شود عوضش کرد منتها من جوابی که دادم این بوده که آقا من با این پراید به همه آرزوهای خودم رسیدم چرا چون من صبح از این محل می­خواهم بیام پایین بیام محل کار و برگردم این را انجام می­دهد ماهی یک مرتبه تهران برویم مثلاً برای برنامه­ای به صورت متوسط آن هم می­برد سالی یک مرتبه هم یک سفر طولانی با آن مشهدی جایی آن­هم که می­برد حالا آدم آرام­تر می­رود احتیاط می­کند که آن مسائل پیش نیاید آن­هم که می­برد من چه بیماری­ای دارم که بیام خودم را به قرض بیندازم ماشینم را عوض بکنم از طلبگی خودم بمانم نکته آخری که می­خواهم عرض بکنم بعدش تریبون در اختیار دوستان خواهد بود طلبه اگر خوب طلبگی کرده باشد یعنی درسش را در آغاز طلبگی خوب بخواند ما طلبه ما از همان بدو ورود به حوزه دغدغه معیشت دارد من چکار باید بکنم آینده من چی می­شود درآمدم چی می­شود زندگیم را چطوری بگذرانم این طلبه اگر بشیند درس بخواند پنج سال شش سال بی­دغدغه با همین شهریه مختصری که می­دهند و آن رزق لایحتسبی که این طرف و آن طرف می­رسد طلبه می­تواند پنج شش سال خوب درس بخواند این پنج شش سال را اگر متقن درس بخواند به صورت طبیعی یک خروجی­هایی می­تواند داشته باشد حالا چون خوب درس خوانده یک جایی اگر برود صحبت بکند صحبتش قابل استفاده است یک مهارت­هایی اگر بدست بیاورد در این کلیپ هم بود مهارت­آموزی یک مهارت­هایی به دست بیاورد در کنار طلبگی خودش یک جایی صحبتی بکند یک مقاله­ای بنویسد همین کارهای طلبگی آخوندی انجام بدهد گاهی وقتها خودش را در معرض روزی هم بگذارد حالا اگر تبلیغ است یا تدریس است یا تحقیق است تألیف کتاب است خودش را در معرض روزی بگذارد ولی از مسیر طلبگی خارج نشود آرام آرام همان لانکم تنطقون آن مقداری که لازم دارد روزی روزانه می­رسد به او و بعد این در طلبگی تشدید می­شود یعنی توانایی­های طلبگی­اش افزایش پیدا می­کند و بعد به تناسب نیازش خدای متعال باز دوباره روزی روزانه به او می­دهد یعنی مسأله ما این است که در مقام علم آموزش که آغاز طلبگی­مان است به بهانه مثلاً تنگناهای معیشتی طلبه­های ما درس نمی­خوانند سست بار می­آیند آن وقت و قدرت لازم را ندارند بعد که به مرحله ثمردهی رسیده ثمرات خوبی عرضه نمی­کند ثمرات خوبی که عرضه نکرد مشتری ندارد بعد از زندگی عقب می­افتد از طلبگی باید بیشتر فاصله بگیرد شاید آن طالب علم که گفته می­شود منظور کسی نیست که طالب علم باشد از ابتدا تا انتها اصلاً چنین درس خواندنی ما در فرهنگ اسلامی نداریم این درس را می­خوانیم که فایده­ای برسانیم این درس را می­خوانیم که خدمتی به جامعه بکنیم ولی به هر حال یک مقدماتی دارد شش هفت سال اول طلبگی باید شخص با فراغت درس بخواند آنجا اگر بخواهد دغدغه فرهنگی معاش داشته باشد عقب می­افتد الحمدلله خوب مشکلات معیشتی خیلی زیاد است ولی برای جوان مجردی که آمده حجره گرفته نهارش را در مدرسه می­دهند با مختصری و آن چیزهایی که هست جوان مجرد مشکلی ندارد مشکل از بعد ازدواج است که معمولاً توصیه می­کنند که یک مقداری ازدواج را به تأخیر بیندازند یک مقداری نه به اندازه سی سالگی مثلاً فرض کنید بیست و سه چهار پنج سالگی از آن طرف فاصله بین عقد و عروسی را یک کمی زیاد بکنند یعنی بالاخره دار تزاحم با این قواعد ما باید تدبیر بکنیم قناعت کردن را یاد بگیرند خوب خرج کردن را یاد بگیرند و بعد هم که توانمندی­ها که بالا رفت خودش را در معرض روزی قرار بدهد با ارائه خدمات اجتماعی مورد نیاز مردم روزی هم ان شاء الله خواهد رسید. اگر احیاناً این کم بود کارد به استخوان رسید و نشد آن وقت آن خدمات اجتماعی را به تناسب یک کم دزش را بالا ببریم ولی از طلبگی خارج نشویم مثل مثلاً فرض کنید مرحوم شهید مطهری که گفته می­شود ایشان رفتنشان به دانشگاه به خاطر چی بوده به خاطر مشکلات معیشتی بوده شهریه­اش که قطع شده بوده به خاطر ماجرایی که می­دانید ایشان از مسیر طلبگی فاصله نگرفت ولی دز باصطلاح خدمات اجتماعی را یک مقدار تشدید کرده اگر این هم نشد ما هر چی فعالیت­های اجتماعی فرهنگی فلان این حرفها طلبگی خواستیم انجام بدهیم نشد و آبرویمان در خطر است دیگر کارد به استخوان رسیده بدجور آب روی ما هم در خطر است مجبور هستیم دست به سوی دیگران دراز کنیم یا عزت ما مخدوش می­شود اگر این جوری است خوب باید از طلبگی برویم مثل کی مثل علامه طباطبایی که بعد از شانزده هفده سال در نجف تحصیل کردن کارد به استخوان رسید یعنی دیگر به هیچ وجه امکان ادامه نبود چکار کردن ایشان آمدند تبریز ده سال کشاورزی کردند البته ایشان چون شرح احوالی که دارد دوران سیاه مرد بود یعنی به آن عشق و علاقه­ای که ایشان به زندگی داشته اضطرار باعث شده که دست از زندگی بردارد

در باب اینکه این روزی طالبان علم تأمین می­شود این روایات اقتضائی است خیلی از روایات ما خصوصاً روایات اخلاقی ما مقتضی را بیان می­کند مثلاً می­گوید که شما فلان کار را انجام بدهید این قدر ثواب دارد یک کسی مثلاً یک قطره اشک برای امام حسین علیه السلام بریزد مثل بال مگسی از چشمش اشک جاری شده باشد خدای متعال این قدر به او ثواب می­دهد این دارد مقتضی را بیان می­کند مقتضی یعنی چی یعنی این می­تواند این کار را بکند و علی­القاعده لو لا المانع این کار را می­کند اما ممکن است یک مانعی برایش پیش بیاید آن را نفی نمی­کند ما قاعدتاً باید بر اساس آن مقتضیات تصمیم­گیری بکنیم ولی یک موانعی هم ممکن است باشد مثلاً ممکن است نعوذ بالله کسی وظیفه درس خواندن خودش را خوب انجام می­دهد طلبگی خوب می­کند منتها گناهانی انجام می­دهد که آن گناهان مانع رزق می­شود مقتضی برای این هست که روزی به او برسد مثل این می­ماند می­گویند آقا یک دانه کبریت می­تواند تمام این خانه را به آتش بکشد یک پلاسکو را فرو بریزد راست می­گویند یک کبریت می­تواند این کار را بکند این دروغی در کار نیست ولی لولا المانع دنبالش هست یعنی ممکن است یک مانعی بیاید دنبال این تأثیرگذاری و اقتضای کبریت را بگیرد و کبریت نسوزاند و الاّ واقعاً یک کبریت تمام این ساختمان را می­تواند به آتش بکشد ما اگر بخواهیم این ساختمان را به آتش بکشیم به این مقتضی باید توجه کنیم یعنی باید به ما بگویند که یک دانه کبریت کافی است برای این و لازم نیست شما بروید مواد منفجره بخرید یک دانه کبریت بخرید این کار را بکنید دیگر این را باید به ما بگویند پس تمام روایات راست گفته مقتضی را گفته یک لولا المانع هم باید باشد برای آن موارد ما این مقتضی­ها را باید بشناسیم و در زندگی خودمان پیاده بکنیم از آن طرف هم مانع­ها را باید بدانیم گاهی وقت ها آن مانع مانع به اصطلاح اختیاری نیست مانعش هم جزء سنت­های الهی است یعنی خدای متعال روزی طالبان علم را به عهده گرفته ولی از آن طرف هم می­خواهد این طالب علمی که فردا یک خدمت احتماعی بزرگ از آن انتظار دارد یک مقداری به تعبیر حضرت امام پیام داشتند طعم تلخ فقر را بچشد که فردا که بزرگ شد و به یک جایی رسید این خاطرات برایش تداعی شود درد مردم را بفهمد شاید خدای متعال این­گونه برای ما تدبیر کرده کما اینکه خدای متعال که الله ولی الذین آمنو است حضرت یوسف را می­فرستد ته چاه برای چه می­فرستد ته چاه؟ مگر خدا نمی­داند این بنده مخلصی است که قرار است پیغمبر شود خدا برای چه این را می­فرستد ته چاه؟ چرا می­فرستدش در زندان؟ برای اینکه می­خواهد ولایتش کند این هم جزء تدبیر خداست این مانع می­شود از رزقی که شما دوست داری روزی­ات همین­طور برسد من رفتم دنبال علم و وظیفه­ام را انجام دادم روزی­ام پی در پی برسد ولی یک چیز مانع می­شود از این قانون ما به خدا باید خوش بین باشیم الله ولی الذین خدا ولایت می­کند ولایتش اینطوری است که ما این­ها را هم ببینیم این درد ها را هم بکشیم ممکن است از این قرار باشد این هم جمع بین روایات

یک سوال آقا پرسیدید من نمی­دانم جواب داده شد نشد اصلاً یادم رفت سوال را

بله سوال می­فرمایند که اینکه آیا من وظیفه طلب دارم یا ندارم وظیفه تأمین رفاهیات خانواده را دارم یا ندارم سؤالشان این است رفاهیات خانواده ببنید آقا ما همان­طور که در سبک زندگی شخصی خودمان باید یک ملاحظاتی را بکنیم و قناعت بورزیم و ولخرجی نکنیم همین­طور این را به خانواده­های خودمان بیاموزیم آرام آرام اولاً لازم نیست آدم ازدواج نکردند اگر کسی در جمع لازم نیست آدم برود خانواده­های خیلی ثروتمند پولدار همسر اختیار کند که بعد در آن بماند یعنی آن عادت­های گذشته شان مانع طلبگی ما می­شود آیا ما موظف هستیم که اجمالاً متناسب آبروی اجتماعی آنها نفقات زندگی را تأمین بکنیم اگر آنها ظرفیت دارند با ما همراهی بکنند باید به آنها بگوییم بالأخره من دست از طلبگی بردارم این احتیاجات تو را برآورده کنم یا اینکه طلبه بمانم و تو با من همراهی بکنی یک مقداری در این مسیری که شروع کردیم این مسیر پرشکوه طلبگی که قرار است ناصبان دین و مکتب تشیع و امام زمان باشیم با من همراهی کن یک مقداری سعی کنیم تا آنجایی که می­شود باید همراه بود اما اگر که کار به جایی رسید در ارتباط با همسر که یا طرف می­خواهد دیوانه بشود یعنی طاقتش طاق شده است یا یک مانعیتی ایجاد بکند برای زندگی من یأتی طرف می­خواهد برود دیگر می­خواهد طلاق بگیرد یا آنقدر بداخلاقی می­کند که واقعاً دیگر زندگی غیرقابل تحمل می­شود و واقعاً دیگر نمی­توانم طلبگی را انجام بدهم طبیعتاً آنجا باید دنبال طلب روزی بیفتیم یعنی باید یک اقدامی بکنیم ان­شاء الله خدای متعال هم دعا و این ها سر جای خودش دیگر دعا و استغفار و نماز و راه­های معنوی سرجای خودش بعد هم انسان خودش را در معرض قرار بدهد در کنار طلبگی­اش یک کاری حدالمقدور فرهنگی آخوندی انجام بدهد که یک مقداری وسعت پیدا کند موظف هستی چون اگر این کار را نکنی این همان عقل معاش است ها اگر این کار را نکنیم همسره خواهد برید همسری که ببرد باز دوباره طلبگی من از بین می­رود خب از همین اول خودم یک گوشه طلبگی­ام را کنار می­گذارم جالا یا خودم در کارهای فرهنگی طلبگی آخوندی که کار به آنجا نرسد

این راه حلش در همان حالت فاکملوا فی الطلب است با آن توضیخاتی که خود ائمه اطهار داده­اند ببنید آقا شما باید خودت را در معرض قرار بدهی یعنی باید بروی تبلیغ موقعی که می­روی تبلیغ تدبیر برای روزی نکن تدبیر برای انجام وظیفه کن یعنی چه شما موظف هستی بروی تبلیغ که در معرض روزی خودت را قرار بدهی ولی وقتی که می­خواهی بروی تبلیغ تدبیر برای روزی نکن تدبیر بکن برای اینکه تبلیغ خوبی انجام بدهی یک تبلیغ مؤثر در یک جایی که بیشترین اثر را داشته باشد ممکن است مثلاً دو تا چیز تبلیغی دو تا فضای تبلیغی است اینجا پاکتش از آنجا بیشتر است ولی آنجا شما تأثیرگذارتر هستی شما تدبیر برای روزی نکن فاجملو فی الطلب تدبیر کن برای وظیفه خودت خودت را در معرض قرار بده بقیه­اش مربوط به شما نیست بقیه­اش درست خواهد شد.

من اگر اجازه بدهید یک دفاعی بکنم از حاج آقای پناهیان چون فرمودند که پر از مغالطه است فرمایش ایشان همین آقای پناهیان که این حرف­ها را می­زند یک صحبتی دارد خطاب به طلاب سی دی است به عنوان به آسمان نگاه کن خطاب به طلاب ایشان همین روایات مربوط به تضمین رزق و اینها را می­خواند می­گوید آقا این­ها مال شما نیست این حرف­ها که الان اینجا گفت بچه حزب اللهی­های ما ببینید آقا ایشان اولش این­طوری شروع کرد به نظرم فرمایش ایشان را دقیق بخواهیم بفهمیم اولش اینطوری شروع کرد که صورت مسئله را نباید پاک کرد نباید فرار کنی از مسئله باید بروی داخل مسئله و مسئله را حل بکنی حالا می­آید مخاطب طلبه صورت مسئله را پاک نکن طلبگی را کنار نگذار چرا صورت مسئله را پاک می­کنی عین همین حرف چرا طلبگی را کنار می­گذاری بمان با این مسئله­ها بجنگ با مسئله فقر با مسئله معیشت بجنگ و قناعت کن و فلا کن خود حاج آقای پناهیان در آن بحث به آسمان نگاه کن به طلبه­ها همین توصیه را می­کند این یک نکته دوم

بله این فرمایش شما کاملاً درست است احسنت ببینید این تعبیری که در روایت ایشان خواندند که هَلْ لَهُ حِرْفَهٌ گفتند نه حرفه ندارد فرمودند سَقَطَ مِنْ عَيْنِي اصلا از چشمم افتاد دقت کنید تعبیر روایت را هل ل حرفه یعنی عرضه انجام کار دارد نه اینکه پول دارد یا نه عرضه انجام کار دارد آدم بی­عرضه از چشم پیغمبر می­افتد شکی نداریم آدم تنبل کسران و اعوذ بک من الکسل و الفشل آن کسی­که همیشه خودش را به این طرف و آن طرف می­اندازد نه عرضه کار دارد نه کار انجام می­دهد این از چشم پیغمبر اکرم می­افتد ان اله تبارک و تعالی يُبغِضُ الرجل النَّوّامَ الفارِغَ الشاب الفارغ آدم بیکار طلبه باید بسیار مشیط طلبگی بکند حرفه یعنی عرضه انجام کار طلبگی داشته باشد ما باید توجه بکنیم به اینکه ما بالأخره انتخاب نکردیم تجارت را مهندسی را کارهای پول درآوردن به آن معنا را ما انتخاب نکردیم ما یک رسته صنفی خاصی را در این اجتماع پیچیده انسانی در نظام تقسیم کار و توزیع نقش های اجتماعی ما یک رسته خاصی را انتخاب کردیم ما متولی فالیت­های فرهنگی نرم هستیم در عرصه دین ما متکفل فعالیت­های تعلیمی تربیتی مربوط به دین هستیم در این زمینه باید حرفه داشته باشیم یعنی چه یعنی اولاً هنر انجام کار داشته باشیم طلبه باید کار بلد باشد بتواند کار بکند و ثانیاً تنبلی نکند یعنی با شور با نشاط بدون اینکه صبح­ها بگیرد بخوابد تا ساعت 10 از اول صبح همان که عرض کردم بکور داشته باشد در انجام فعالیت­های خودش این را باید داشته باشد دنبال کار خودش طلبگی­اش می­رود و این­طوری از چشم پیغمبر اکرم قطعاً نمی­افتد آن هل له حرفه فرمود سقط من عینی این حرفه دارد منتها حرفه­اش به تعبیر برادر عزیزمان حرفه طلبگی است آن کسی که حرفه طلبگی دارد دارد یک خدمتی می­کند در همه خدمت­هایی که دیگران دارند به جامعه می­کنند اتفاقاً خدمتی بسیار مهم­تر و مؤثر ترکه این هم باز روایات متعددی هست موقعیتش شد عرض می­کنم

بله من در واقع به نوعی خودم این را در این جلسه به ذهن شما طرح کردم که این روایت از قرن دهم فرمودند

می­خواهم بگویم من هم به نوعی با شما همراهی کردم در این جلسه که ما به نوعی می­توانیم این روایت را بگذاریم کنار باشد یا نباشد ما نظام بحث ما هیچ به هم نمی­ریزد ما از اول این روایت را یک­جوری در بازی نیاوردیم ولی گفتیم که همان احکامی که دیگران دارند را همان را رعایت بکنیم اجمال فی الطلب داشته باشیم اجمال ما به این است که فعالیت لسانی داشته باشیم از این طریق کار طلبگی مان به هر حال باید قبول بکنیم که با دنیا طلبی جور در نمی­آید به هر حال باید قبول بکنیم که ما در معرض اطلاعات بیشتری هستیم و شرایط علیهم را باید قبول بکنیم زندگی ساده است این ها را با هم که ببینیم نتیجه­اش این می­شود که تا آنجا که می­شود باید پای طلبگی خودمان بمانیم و اگر هم می­خواهیم خودمان را در معرض روزی قرار دهیم از طریق همین فعالیت­هایی که برایش آموزش دیده ایم برایش پول خرج­مان شده برایش به هر حال آن­قدر خون دل خورده­اند از همین طرق سعی کنیم که خودمان را در معرض روزی قرار دهیم حتی­المقدور

می­فرمایند آن طلبه­هایی که وارد فعالیت­های دولتی دارای حقوق ثابت می­شوند برای زندگی­شان این چطور است. ببینید فرمولش این است که شما برای زندگی­ات تدبیر آن­طوری نکن در واقع فاجملو فی الطلب بیش از آنکه نگران معیشتت باشی بیش از آن نگران انجام وظیفه طلبگی­ات باش بیش از آن بری انجام وظیفه طلبگی و رسالت­های تبلیغی خودت بنشین و حسابی تدبیر کن برای تأمین رزق، یک تدبیرک یک اقدامک البته این­ها ممکن است روی همدیگر بیفتد شما ببین اگر می­توانی یک شخصیت مؤثر باشی در سپاه در ادارات دولتی در هر جایی می­توانی یک شخصیت مؤثری باشی که طلبگی­ات تحت الشعاع واقع نشود برو آنجا ولی اگر واقعاً می­بینی که من بروم آنجا اصلاً از ساقط می­شوم و تمام این توانایی­های طلبگی من آنجا محو خواهد شد رنگ خواهد باخت شما وظیفه ندارید آنجا بروید فقط برای تأمین معیشت ولی اگر جمع می­شود خب برو مثل شهید مطهری که رفت دانشگاه و البته نیروی مؤثری هم واقع شد

احسنت یک دستورالعمل خودسازی داشتند حضرت امام که اوایل انقلاب چاپ می­شد الآن خبری از آن نیست دستورالعمل 16 بندی خودسازی در اینترنت بزنید هست آنجا ایشان می­فرماید در امور مادی و دنیوی به تهی­دستان نگاه کنید در امور معنوی و اخروی به اولیاء خدا نگاه کنید ببینید قناعت­کردن در زندگی مادی و دنیوی ممدوح است در مسائل معنوی و اخروی مذموم است آنجا ما باید حرص داشته باشیم اینجا باید قناعت داشته باشیم آن وقت ارتباط با مستمندان خیلی این به تعبیر حاج آقا فقر فرهنگی را یا خیلی این حرص نسبت به دنیا و تکالب بر دنیا را در وجود ما تسکین می­دهد مخصوصاً خانواده­های خودمان را برداریم ببریم مرتبط بکنیم با خانواده­های کم بضاعت یا تهی دست که ببینند یک عده دارند اینطوری زندگی می­کنند شاکر آن نعمت­هایی می­شوند که در اختیار دارند و با ما همراهی بیشتری می­توانند بکنند

چون اذان هم گفته شده

بله یک بخشی از روزی ما چه تلاش بکنیم چه نکنیم برای ما تأمین خواهد شد فرمودند که در بعضی روایات دارد که یک کسی سؤال کرد از کجا تامین می­شود؟ حضرت فرمودند از همان راهی که اجل برای شما می­آید چطور اجل شما می­آید از همان راه روزی شما خواهد آمد یعنی طبق محاسبات ما همچین چیزی نباید به دست ما می­رسید ولی حتماً خواهد رسید آن یک بخشی­اش یک بخشی هم هست ما باید خودمان دنبال بکنیم آن هم ما در زندگی خودمان تقریباً روزی من حیث لا یحتسب را در زندگی­های خودمان دیده­ایم دیگر کمابیش که گاهی وقت­ها چطور خدای متعال راه­گشایی می­کند و الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.